خانه های مستقل
راهی برای توانمند کردن معلولان فارس

گزارش «ایران» از کودکان بستری مبتلا به کووید ۱۹ در بخش عفونی بیمارستان مرکز طبی

حمله کرونا به کودکان!

فریبا خان احمدی
خبرنگار

پشت درهای بسته بخش عفونی مرکز طبی کودکان از زمان شیوع دوباره کووید۱۹ ، تعداد ۲۰۳ کودک مبتلا به کرونا بستری شده‌اند. در شیشه‌ای بزرگ که باز می شود سالن سفید رنگی نمایان می شود، یک راهروی بزرگ با ۹ اتاق. در هر اتاق سه یا دو تخت و چند تا پایه سرم. اتاق‌ها پر از زنان صورتی پوش و کودکانی است که بیشترشان شکل هم هستند. کودکانی که آنژیوکت سرم مثل سایه دنبال‌شان است، اکثراً شبیه هم هستند با سرهایی تراشیده، صورت‌های رنگ پریده بدون ابرو و مژه. حالا در کنار سرطان، پیوند مغز استخوان و نقص ایمنی اکتسابی درد دیگری هم به هزاران دردشان اضافه شده؛ «کووید۱۹». خنده روی صورت‌های بی‌خون بچه‌ها شکلی ندارد. بینی و دهانشان زیر ماسک پنهان شده و روی دستانشان مدت‌هاست که آنژیوکت و چسب‌های سفید رد انداخته است. مبارزان کوچکی که حالا با حریف تازه‌واردی در نبردند. به گفته رئیس بخش عفونی مرکز طبی کودکان؛ اولین کودک مبتلا به کووید۱۹، ۵ روز پس از اعلام رسمی شیوع ویروس کرونا یعنی روز ۶ اسفند در بخش عفونی مرکز طبی کودکان بستری شد و آن‌طور که پرستارها می‌گویند در مرحله دوم همه‌گیری بیماری و از وقتی شرکت در جشن‌ها و مسافرت رفتن‌ها زیاد شد تعداد کودکان مبتلا به کووید۱۹هم به یکباره از روزانه ۲تا۳ بیمار به عدد بی‌سابقه۱۳ بیمار در ۲۴ تیر ماه رسید.

«بخش عفونی دکتر سیادتی» در مرکز طبی کودکان حدود ۵ ماه است به بستری کودکان مبتلا به کرونا اختصاص دارد. جز پرستاران، پزشکان و مادران کسی اجازه ورود به این بخش را ندارد. آنها هم برای ورود به بخش عفونی که حالا امکانات ایزوله نیز به آن اضافه شده باید ماسک بزنند، دستکش و گان بپوشند؛ پرستاران هم که لباس ایزوله مخصوص به تن دارند.

مادرها با ماسک‌هایی روی صورت و با چشمانی نگران و مضطرب در راهروهای بخش می‌روند و می‌آیند، صدای پچ‌پچ‌شان را با پرستارها می‌شود با توقف در کنار استیشن پرستاری شنید. «خانم یعنی جواب تستش مثبت شد. از خونش که آزمایش گرفتند تست کرونا منفی بود. حالا چی می‌شه؟ این بچه پلاکت خونش هم پایین است.» اینها را مادر ابوالفضل می‌گوید. زن ۴۸ ساله‌ای که حالت چهره‌اش افسرده و غمگین اما صاف و ساده بود، گیج و منگ مانده است. مادر ابوالفضل به اتاق شماره ۷ برمی‌گردد. غم و اندوه داخل اتاق را فراگرفته و گریه‌های بی‌امان مادر ابوالفضل سکوت اتاق را می‌شکند. ابولفضل ای ال ال (نوعی سرطان خون) دارد و حالا چند روزی است تست کرونایش هم مثبت شده. ابوالفضل داخل تخت فلزی ولو شده و زیر چشمی مادرش را تماشا می‌کند. دست مادرش را می‌کشد و ماشین قرمزش را می‌خواهد. مادرش اسباب‌بازی پسرش را می‌آورد با الکل حسابی ضدعفونی می‌کند و می‌دهد دست ابوالفضل. کنار کودکش می‌نشیند و بازی کردنش را تماشا می‌کند. کم‌کم نگرانی بیش از حد را فراموش می‌کند و گرم بازی با ابوالفضل می‌شود. مادر در ادامه از شرایط ابتلای فرزندش به ویروس کرونا می‌گوید: «خانم ما دائم‌القرنطینه هستیم چه کرونا باشد چه نباشد. الان که وضع بدتر هم شده. این بچه یک بار رفته مغازه و آنجا مریضی را گرفته است.» مادر به دیوار اتاق تکیه می‌کند و بعد نگاهی به چشم‌های بی‌مژه و ابروهای خالی پسرش می‌اندازد. کرونا حالا در کنار بیماری سرطان درد مضاعفی شده است: «پدر ابوالفضل سال گذشته به‌خاطر سرطان استخوان فوت کرد. مزارش در یکی از شهرستان‌های همدان است از عید ابوالفضل نتوانسته سر خاکش برود. می‌گوید مامان نمی‌شه من بمیرم برم بابا رو ببینم و بعد بیام پیشت. ببینید این درد ماها است. در حالی که مردم می‌توانند مسافرت نروند، پارک نروند تا این ویروس لعنتی تمام شود. یکبار خودشان را جای ما خانواده‌ها بگذارند ما ناخواسته و ندانسته آلوده شدیم. ما که نمی‌دانیم کسی که رفته نانوایی کرونا داشته است.» او در حالی که صدای گریه هایش بلندترمی شود می‌گوید: «مردم رعایت کنید بلکه ما هم بتوانیم از خانه بیرون برویم. تو رو خدا این همه الکی بیرون نروید. آخر الان بیرون رفتن واجب است؟ حالا که کرونا نه دارو دارد و نه واکسن می‌دانید اگر پای‌تان به بیمارستان بیفتد چه می‌شود؟ باید اینجا دراز بکشی تا دارویی چیزی بدهند آن هم معلوم نیست اثر می‌کند یا نه؟»

پرده‌های گلدار و روتختی‌های رنگارنگ آن شکل و شمایل همیشگی اتاق‌های بستری بیمارستان را جلوه تازه‌ای داده‌اند. از ابوالفضل که بینی و دهانش زیر ماسک قایم شده می‌پرسم می‌دانی حالا این کرونا چیست؟ جواب می‌دهد: «همون ویروسی که اگه جایی دست بزنیم می‌گیریم، اولش تب و توک سرفه هم می‌کنیم.» ابوالفضل در ۱۳۰روز گذشته تنها یک بار با برادرش برای خرید به نانوایی سر کوچه‌شان رفته و آلوده به ویروس کرونا به خانه برگشته است. برای مادران بخش عفونی مرکز طبی کودکان زیبایی زندگی یا شاید تلخی‌اش در این است که با هر کیفیتی ادامه دارد. تا وقتی بچه‌هایشان نفس می‌کشند و هر طلوع و غروب خورشید را می‌بینند؛ با گونه‌های گل انداخته یا صورت‌های رنگ‌پریده محکوم به انتظارند.

«باید بتونم خوب بشم. باید بتونم. بتونم. می‌شه... من هنوز سیستم دفاعی بدنم قوی هست. گوش کن بابا چی می‌گم... می‌گم گوش کن. نه بخند. باید بخندی. اینطوری...» پدر با دست‌هایش توری پشت شیشه را کنار می‌زند صورتش را به پشت پنجره می‌چسباند: «امروز چکارا کردی؟ اوضاع احوالت خوبه؟ چیزی نمی‌خوای برات بخرم؟» مادر فرنود ۹ ساله که حرف‌های پدر و پسر را می‌شنود اشک از گوشه چشمانش سُر می‌خورد روی صورتش. همه این حرف‌ها برای او یادآور روزهای سختی است. دوره‌ای که پسرش هم با بیماری نقص ایمنی باید بجنگد و هم ویروس کرونا را از بدنش دور کند.

فرنود ۹ ساله نقص سیستم ایمنی دارد و حالا هم گرفتار ویروس کرونا شده است. فرنود با بلوز و شلوارک زردرنگی روی تخت فلزی نشسته. ماسک دهانش را کمی جابه‌جا می‌کند و نگاهش را به آن سوی پنجره به پدرش می‌دوزد. چشمان کم سویش پشت نور تابستانی که با قوت بیشتری به داخل اتاق بستری می‌تابد پنهان می‌شود.

فرنود به اندازه یک تخت با ابوالفضل فاصله دارد. جواب آزمایشش یک هفته پیش مثبت شده. ۷ روز است میهمان این بخش است. حوصله‌اش سر رفته و دلش برای دوستانش تنگ شده. خودش را با دومینو، تماشای فیلم و لگو سرگرم کرده است. می‌پرسم می‌دانی چرا اینجا آمدی؟ جواب می‌دهد: «بله. به‌خاطر اینکه کم رعایت کردم. دوبار رفتم پارک.

به‌خاطر همین مریض شدم. با مامانم هم رفتیم نون سنگک گرفتیم.» از فرنود می‌پرسم ماسک نزده بودی؟ پارک خیلی شلوغ بود؟ «زده بودم ولی مریض شدم. پارک پُر پُر بود. پُر بچه. بعد من یک شب تب و لرز کردم. بعد دوباره تب و لرز کردم و آمدم بیمارستان و بستری شدم.» دست راست فرنود روی پایه میله فلزی چرخ‌داری که سرم از آن آویزان شده، گره خورده است. با سرمی که به دست دارد جعبه اسباب‌بازی‌هایش را نشانم می‌دهد. «اینا رو می‌بینی ماشین، موتور همه رو ۱۰ روز پیش قبل اینکه کرونا بگیرم، درست کردم.» فرنود اگرچه خسته از سوزن و داروهایی است که تمامی ندارند اما وقتی از او درباره پرستاران می‌پرسم لبخند ریزی روی صورتش می‌نشیند: «من عاشق پرستارها هستم. چون که برای کشورم زحمت می‌کشند و بیماران را خوب می‌کنند.» او در انتها به همسن و سالانش توصیه می‌کند که بیرون نروند. کرونا گرفتن خیلی سخت است. بچه‌ها هر کدام منتظرند تا به قول خودشون «کروناشون» تمام شود و دوباره به خانه برگردند. تا درد سوزن سرم، سرفه‌های تنگ و سردردهای وحشتناکشان را فروش کنند، با صدای بلند بخندند و دوباره صدای قشقرق‌های کودکانه‌شان فضای خانه را پر کند.

علی محمدی / ایران

قدرت سرایت و انتقال ویروس کرونا بیشتر شده است

پزشک

دکتر ستاره ممیشی رئیس بخش عفونی بیمارستان مرکز طبی کودکان از افزایش درگیری کودکان با بیماری کووید۱۹ در مراکز درمانی خبر می‌دهد و می‌گوید: روزهای اول شیوع ویروس کرونا تظاهرات بالینی ویروس کرونا ناشناخته بود و حرف و حدیث‌های زیادی در رابطه با اینکه کودکان به این بیماری مبتلا نمی‌شوند، مطرح شد اما به زودی با درگیری‌های زیاد کودکان مواجه شدیم. دکتر ممیشی عنوان می‌کند: اوایل کودکان دارای بیماری‌های زمینه‌ای مانند مبتلا به سرطان، پیوند مغز استخوان و قلبی به ویروس کرونا مبتلا می‌شدند اما اکنون کودکانی مراجعه می‌کنند که هیچ گونه بیماری زمینه‌ای ندارند. چرا که الگوی بیماری تغییر کرده و شدت انتقال و سرایت ویروس بیشتر شده است.

رئیس بخش عفونی با بیان اینکه درگیری کودکان با ویروس کرونا بسیار زیاد شده عنوان می‌کند: بحران کووید۱۹ نشان داد ما آماده بحران نبودیم، علاوه بر اینکه با کمبود نیروی پرستاری مواجه هستیم. همچنین لازم است تعداد تخت‌های آی سی یو افزایش یابد و خیرین در این زمینه به نظام سلامت کمک کنند.

دارد که بچه‌ها کرونا نمی‌گیرند. از طرفی درصد نگرانی و رعایت نکات بهداشتی نسبت به قبل کاهش پیدا کرده و سابقه خانوادگی مثبت، شرکت در جشن‌ها و مسافرت‌ها باعث آلودگی کودکان شده است.» آفتاب تا نیمه‌های اتاق‌های بستری رسیده و سکوت سراسر بخش را فراگرفته. در اتاق شماره ۳ را باز می‌کنم. دونوزاد ۱۱ و ۱۵ روزه داخل یک محفظه شیشه‌ای شبیه به تخت بستری‌اند. زن زائو پشتش به در است. قضیه ابتلای مانلی ۱۱ روزه به کرونا خیلی ساده بود. روزی که مانلی به دنیا آمد همه فامیل پدری دور هم جمع شدند. پدر مانلی از سر رودربایستی و اینکه مبادا ناراحتی و کدورتی پیش آید حسابی با همسرش جر و بحث کرده بود. حالا ۴ روز است پدر نخوابیده. شب و روز بیرون بیمارستان و پشت پنجره اتاق مانلی می‌ایستد و آنقدر به سلامتی دختر ۱۱ روزه‌اش فکر می‌کند تا مگر برای ساعتی خوابش ببرد.

مادرش می‌گوید: «بعد از ۱۱ سال خدا به ما بچه داد. روزهای وحشتناکی را سپری می‌کنیم. مانلی یک هفته بعد از دورهمی فامیل شوهرم تب و لرز کرد. بچه‌ام جون نداشت.» کمی بعد رو می‌کند به دوربینمان و می‌گوید: «مردم ما به شنیدن نیاز دارند.

به شنیدن و خواندن اطلاعات درست. بگویید که بچه‌ها هم کرونا می‌گیرند.» اینجا ساعت‌ها برای پدر و مادرها به کندی می‌گذرد. پدران و مادرانی که خودشان را مقصر این سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی می‌دانند. مثل مادر محمدمهدی که ۱۵ روز پیش محمدمهدی را فرستاد آپاراتی کار کند یا مادر ملیکا که دو هفته قبل ملیکا را برای سفر به خراسان شمالی برد و هر دو این کودکان، ویروس را در محیط خارج از خانه گرفتند و همراه خودشان بیماری آوردند.

گذشته کودکان بیمار زیادی را دیده که اغلب با علائم اسهال، استفراغ و درد شدید شکمی مراجعه کرده‌اند و تست کرونای‌شان مثبت شده است. او می‌گوید: «روزهای اول آمار خیلی پایین بود ولی الان آمار کودکان مبتلا زیاد شده است. به هر حال این تفکر غلط وجود

■ **مهربانی و ایثار در دستان پر مهر پرستاران**

پرستارهای بخش کرونا دیگر تحمل ماسک‌های چند لایه و لباس‌های ایزوله را ندارند. یکی از کمک‌پرستارها می‌گوید: «وقتی لباس سرهمی‌ها را می‌پوشیم به‌خاطر گرمای شدید عرق می‌کنیم. عفونت مثانه و قارچ‌های پوستی الان بین همکارام شایع شده.» پرستار دیگری به گان، کلاه، دستکش و ماسک چند لایه‌ای که پوشیده اشاره می‌کند: «بخواهیم وارد اتاق «رست» شویم باید همه اینها را دربیاوریم تا بتوانیم یک لیوان آب بخوریم. آن هم در کمتر از چند دقیقه. مریض که معطل ما نمی‌ماند.» پرستار دیگری ادامه حرف‌های همکارش را می‌گیرد: «پایان شیفت خیلی خسته‌ایم. همین ماسکی که می‌زنیم خفه‌مان می‌کند. ما همه‌مون بچه‌های کوچک داریم، خانه که می‌رسیم اجازه نمی‌دهیم بچه به دو متری ما نزدیک شود. اول از همه لباس‌هایمان را جای جداگانه‌ای می‌گذاریم. بعد دوش می‌گیریم و بعدش نوبت می‌رسه به این که تازه بچه‌مون رو بغل کنیم.» آنها اگرچه با عشق و ایثار برای کودکان بیمار جانفشانی می‌کنند اما از برخی بدقولی‌ها ووعده‌های مسئولان نیز گلایه‌مندند.

قاسمیان سرپرستار بخش عفونی مرکز طبی کودکان در این ۱۴۵ روز

کرونا پدیده‌ای فانتزی نیست

یادداشت

تقی آزاد ارمکی
جامعه شناس و
استاد دانشگاه

در دوران کرونا نسبت به رفتار مردم، نمی‌توان گفت که آنها کاملاً رفتاری منفی دارند. متأسفانه در جامعه و در رسانه‌ها، کرونا، تبدیل به پدیده‌ای فانتزی شده و همین امر هم سبب شد، مردم با آن به شکل فانتزی رفتار کنند. اگر از ابتدای امر این پدیده، مورد واکاوی و کارشناسی قرار می‌گرفت، رفتار مردم هم تغییر می‌کرد. وقتی یک مجری تلویزیون فقط در مورد بحران و وضعیت بهداشت صحبت می‌کند، کمک کرده که این پدیده فانتزی شود و در نهایت برخی رعایت می‌کنند و برخی حتی باور هم نمی‌کنند.

در خصوص کرونا باید به اثرات اقتصادی، تاریخی و سیاسی آن هم پرداخته شود. باید از مرگ و میرها تحلیل و تعبیر اقتصادی، سیاسی و محیطی شود تا تبدیل به یک بحران شود. وقتی می‌گوییم در فلان روز در ایران تنها ۲۰۰نفر مردند، در حالی که در فلان کشور ۲۰۰۰ نفر فوتی وجود داشت، یعنی در واقع می‌گوییم که این پدیده آنچنان هم که باید و شاید بزرگ نیست. این در حالی است که در برخی از کشورها آمار جمعیتی بسیار بیشتر از کشور ماست و نباید بین اعداد و ارقام مقایسه‌های این چنینی صورت بگیرد. در کل، نظام اطلاع رسانی، کارشناسی و تحقیقات باید رواج بیشتری داشته باشند. در ابتدای شیوع بیماری شاید کرونا آسیب‌های اجتماعی آنچنانی را در پی نداشت، اما در هر بحرانی هرچه به سمت طولانی‌ترشدن پیش می‌رویم و بحران عمیق‌تر می‌شود، جامعه باید احساس کند که آن پدیده خطرناک و مسأله ساز است. نباید فرد فکر کند که احتمالاً من نمی‌میرم و آن فردی که مرده ممکن است مریضی زمینه‌ای داشته، این تفکر باید تغییر کند.

مسأله دیگری که لازم است به آن پرداخته شود این است که در روزهای اول شروع بیماری، مسئولیت‌ها به وزارت بهداشت و درمان سپرده شده بود، اما با گذشت زمان نیروهای دیگر اجتماعی ورود کردند و از آنجایی که بخش‌هایی از مسئولیت‌ها از وزارت بهداشت گرفته شد، کرونا به حاشیه رفت. لازم است که دوباره مسئولیت‌ها به وزارت بهداشت و درمان سپرده شود تا مردم را مجاب به رعایت موارد لازم کند. مورد مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، این است که قبول داریم کشور دچار مشکلات اقتصادی است، اما از گروه‌هایی که در نتیجه تعطیلی‌های مکرر، کسب و کار آنها دچار مشکل شده، باید حمایت شود، به طور مثال وقتی که در حوزه غذایی می‌بینیم رستوران‌ها در حال خسارت دیدن هستند و برای جبران خسارت خود تخلف کرده و رستوران را بازگشایی می‌کنند، باید به کمک آنها شتافت. به‌عنوان نمونه می‌توان تا سه سال آینده از آنها مالیات اخذ نکرد یا آنها را از پرداخت مالیات‌های عقب افتاده معاف کرد. در کل باید سیاست‌های حمایتی به اصنافی که تحت تأثیر کرونا دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند، ارائه کرد.

مورد دیگری که در خصوص کرونا باید به آن پرداخته شود، این است که در این حوزه متأسفانه هنرمندان، روشنفکران و علما صدایی که نشان دهنده منفی بودن این پدیده باشد، نداشتند. مثلاً اصلاً جایی گفته نشد انسان‌هایی که کشته شدند که بودند. باید با نجوایی موسیقایی، اضطراب ناشی از کرونا را درک کنیم. متأسفانه در حوزه هنر، موسیقی، ادبیات و دین صدایی نمی‌شنویم و در نهایت امر هم جامعه فکر کرده که این اتفاق فقط یک شوخی است. باید کنشگران تلاش کنند تا جامعه متوجه خطرناک بودن این بیماری باشد.

سایپا یدک

مناقصه تأمین ملزومات پلیمری بسته‌بندی

شرکت بازرگانی سایپایدک (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین ملزومات پلیمری (نایلون شیرینگ، حباب دار و...) مورد نیاز بسته‌بندی انبار خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داوطلب شرکت در مناقصه که دارای تجربه و مجوزهای قانونی درزمینه فوق می‌باشند دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه ظرف مدت ۷ روز کاری از تاریخ درج آگهی، با ارائه معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر، از ساعت ۸ تا ۱۶ به‌جز پنج‌شنبه‌ها و ایام تعطیل، به دفتر مرکزی شرکت واقع در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، نبش خیابان داروپخش، اداره تدارکات داخلی مراجعه نمایند. متن این آگهی در سایت www.saipayadak.org نیز منتشر می‌گردد.

سپرده شرکت در مناقصه معادل ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (دویست میلیون) ریال می‌باشد.

روابط عمومی سایپایدک

سایپا یدک

مناقصه تأمین ملزومات بسته‌بندی (کارتن‌های ارسال و قهوه‌ای)

شرکت بازرگانی سایپایدک (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین کارتن‌های ارسال و قهوه‌ای مورد نیاز بسته‌بندی انبار خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داوطلب شرکت در مناقصه که دارای تجربه و مجوزهای قانونی درزمینه فوق می‌باشند دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه ظرف مدت ۷ روز کاری از تاریخ درج آگهی، با ارائه معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر، از ساعت ۸ تا ۱۶ به‌جز پنجشنبه‌ها و ایام تعطیل، به دفتر مرکزی شرکت واقع در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، نبش خیابان داروپخش، اداره تدارکات داخلی مراجعه نمایند. متن این آگهی در سایت www.saipayadak.org نیز منتشر می‌گردد.

سپرده شرکت در مناقصه معادل ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰(یکصد و پنجاه میلیون) ریال می‌باشد.

روابط عمومی سایپایدک

سایپا یدک

مناقصه تأمین ملزومات چوبی بسته‌بندی

شرکت بازرگانی سایپایدک (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین ملزومات چوبی (انواع کفی پالت، جعبه و صندوق‌های چوبی) مورد نیاز بسته‌بندی انبار خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داوطلب شرکت در مناقصه که دارای تجربه و مجوزهای قانونی در زمینه فوق می‌باشند دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه ظرف مدت ۷ روز کاری از تاریخ درج آگهی، با ارائه معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر، از ساعت ۸ تا ۱۶ به‌جز پنجشنبه‌ها و ایام تعطیل، به دفتر مرکزی شرکت واقع در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، نبش خیابان داروپخش، اداره تدارکات داخلی مراجعه نمایند. متن این آگهی در سایت www.saipayadak.org نیز منتشر می‌گردد.

سپرده شرکت در مناقصه معادل ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (سیصد میلیون) ریال می‌باشد.

روابط عمومی سایپایدک

وزیر علوم:
تعطیلی مراکز دانشگاهی در اختیار رؤسای دانشگاه‌هاست

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری درباره تعطیلی دانشگاه‌ها گفت: برنامه دانشگاه‌ها در اختیار مدیران دانشگاه است.

دکتر منصور غلامی افزود: دانشگاه‌ها تصمیمات اعلام شده از سوی کمیته ملی مبارزه با کرونا را در سطح استان یا کشور رعایت می‌کنند.

به گزارش ایرنا، بر اساس اعلام ستاد ملی مقابله با کرونا، از روز شنبه ۲۸ تیرماه ادارات باید با دوسوم کارکنان فعالیت خود را ادامه دهند. هرچند از ابتدای شیوع ویروس کرونا در کشور کلاس‌های دانشگاه‌ها تعطیل شد اما فعالیت‌های اداری مراکز آموزش عالی کشور همچنان ادامه دارد.
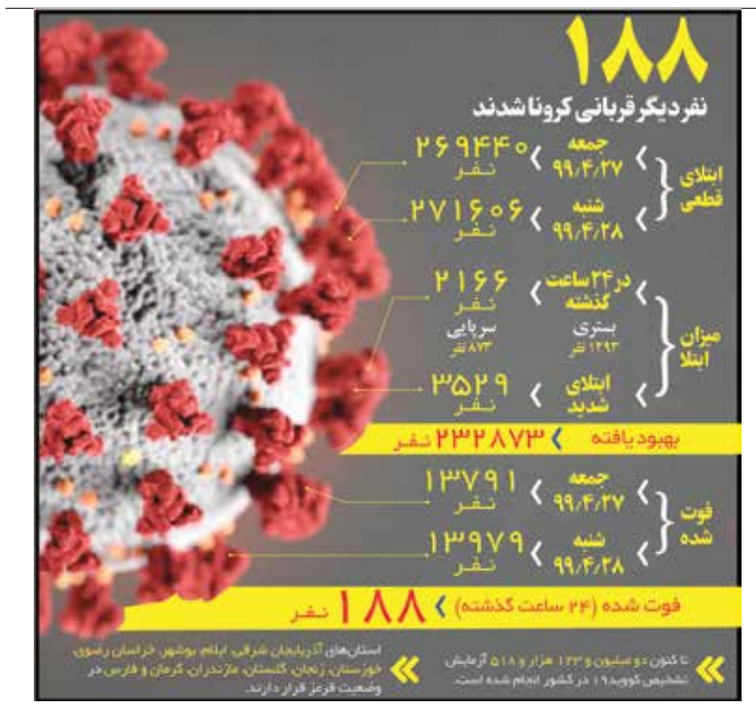
همچنین با اعلام رئیس جمهوری مبنی بر بازگشایی دانشگاه‌ها از ۱۷ خردادماه برای برگزاری کلاس‌های عملی، کارگاهی و رفع اشکال، بخشی از دانشجویان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی اجازه ورود به دانشگاه‌ها را پیدا کردند.